

این بار پای صحبت‌های یک ناشر جوان نشسته‌ایم:

# تولید کتاب عشق می‌خواهد



● سمانه آزاد

## اشاره

**مهدی آرام‌فر**، مدیر نشر «تخته سیاه» مانند بسیاری از ما که در شغلی خارج از رشته‌ی تحصیلی‌مان فعالیت داریم، پزشکی خوانده است، اما پزشک نیست. ناشر کتاب‌های کمک‌آموزشی (به خصوص کنکور) است با نزدیک به هشت سال سابقه در این زمینه. با این‌که جوان است، قریب به ۵۰ عنوان کتاب تألیف کرده. ضمن این‌که از دوران دانشجویی مشغول تدریس در کلاس‌ها و آموزشگاه‌های کنکور هم بوده است.

آرام‌فر معتقد است: «آنچه اهمیت دارد این است که مطالعه‌ی کتاب چه قدر می‌تواند دانش‌آموز را برای موفقیت در کنکور آماده کند و چه ملاکی از این بالاتر که کتاب بتواند سؤالات کنکور را پیش‌بینی کند و نکته‌ی آن را تذکر دهد؟ حالا اگر صدها داور، کتاب دیگری را تأیید کنند، ولی وقتی دانش‌آموز آن را بخواند و نتیجه نگیرد، چه فایده‌ای دارد؟»

با او در یک روز بهاری از جشنواره‌ی رشد و طرح سامان‌بخشی سخن گفتیم؛ از کتاب‌نامه‌های رشد، از مشکلات نشر، از گلایه‌ها و انتظارات یک ناشر جوان.

## ■ آقای آرام‌فر! چه طور شد که به جمع ناشرین پیوستید؟

به هر حال درآمد پزشکی اوایل خوب نیست. بنابراین من ابتدا وارد کار تدریس زیست‌شناسی در کلاس‌های کنکور و سپس کار نشر شدم.

## ■ کتاب‌نامه‌ی رشد برای شما ارسال می‌شود؟

بله و تا جایی که می‌دانم، یکی از کتاب‌هایمان هم در آن معرفی شده است.

## ■ آیا کتاب‌نامه را مطالعه می‌کنید؟

آن قسمت را که مربوط به حوزه‌ی تخصصی خودم، یعنی زیست‌شناسی است، مطالعه می‌کنم تا ببینم چه کتاب‌هایی معرفی شده‌اند.

## ■ نظرتان درباره‌ی کتاب‌نامه‌های منتشر شده از سوی طرح

سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی چیست؟ فکر می‌کنید تأثیری دارند؟

احتمالاً دارند. من خیلی پی‌گیر تأثیرگذاری این فرایند نبوده‌ام. اما با توجه به این که کتاب‌نامه‌ها به مدارس هم ارسال می‌شوند، به نظر می‌رسد که تأثیرگذار باشند.

## ■ ارزیابی‌تان از کتاب‌هایی که در کتاب‌نامه معرفی می‌شوند، چیست؟

من در کتاب‌نامه، کتاب‌هایی را که با اقبال عمومی خوبی مواجه شده‌اند، ندیده‌ام. فکر می‌کنم ملاک‌هایی که شما انتخاب کرده‌اید، با ملاک‌هایی که دانش‌آموز برای خرید کتاب خوب در نظر دارد، متفاوت است. مثلاً در زمینه‌ی درس زیست‌شناسی، کتاب ما و کتاب سبز را که با اقبال خوبی روبه‌رو شده‌اند، در کتاب‌نامه ندیدم.

## ■ کتاب‌های کتاب‌نامه، ابتدا براساس یک فرم ارزش‌یابی، بررسی و سپس در کتاب‌نامه

معرفی می‌شوند. معیارها و ملاک‌های ارزیابی شما چیست؟

از آن‌جا که حوزه‌ی کاری من به طور اخص کنکور است، اثرگذاری در کنکور را به عنوان معیار اصلی انتخاب کرده‌ام. به نظر من آن‌چه که اهمیت دارد این است که مطالعه‌ی کتاب چه قدر می‌تواند دانش‌آموز را برای کنکور آماده کند. من اگر جای شما بودم، فرم ارزش‌یابی را به دانش‌آموز می‌دادم. به این صورت که هم قبل از کنکور و هم بعد از آن، دانش‌آموزانی را به صورت تصادفی انتخاب می‌کردم و کتاب را برای مطالعه در اختیارشان قرار می‌دادم. سپس سنجشی انجام می‌دادم مبنی بر این که آیا در کتاب به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داده شده است یا نه. یعنی نظر دانش‌آموزان را قبل و بعد از کنکور جویا می‌شدم.

## ■ در حال حاضر شما برای انتشار کتاب‌هایتان این کار را انجام می‌دهید؟

بله. قبل از انتشار کتاب‌هایمان که قطعاً از تیم‌های دانش‌آموزی خودم استفاده می‌کنیم و بعد از انتشار نیز، به نظر دانش‌آموزان خیلی اهمیت می‌دهیم، چون در نهایت مخاطب‌های ما دانش‌آموزان

### ملاک‌هایی که

شما انتخاب کرده‌اید، با ملاک‌هایی که دانش‌آموز برای خرید کتاب خوب در نظر دارد، متفاوت است

هستند. در نظام آموزشی ما دبیران فرصت اندکی برای مطالعه دارند و گاه نگاه‌ها کمی سنتی و قدیمی است و آن‌چه که ما از ارزیابی معلمان در نظر داریم، به دستمان نمی‌آید. یعنی اگر جزو معلمان حرفه‌ای و درجه اول کنکور باشد، فرصت مطالعه ندارد و معلمان غیرحرفه‌ای هم مد نظر ما نیستند. به همین دلیل از گروه هدف یعنی دانش‌آموزان، که در بطن و درگیر ماجرا هستند، استفاده می‌کنیم.

### ■ یعنی کمتر از نظرات معلمان استفاده می‌کنید؟

اصلاً استفاده نمی‌کنیم. یعنی برای ویرایش و نظرسنجی اصلاً از معلمان استفاده نمی‌کنیم.

■ آقای آرام‌فر! شما خودتان در زمینه‌ی نشر کتاب‌هایتان سیاست‌گذاری می‌کنید یا صرفاً چاپ و نشر کتاب‌های مؤلفین را به عهده دارید؟

قطعاً سیاست‌گذاری می‌کنیم. ما در انتشاراتمان فرمت‌های تعریف شده‌ای داریم و مطابق با آن‌ها سفارش تألیف کتاب می‌دهیم و مؤلفانمان نیز کتاب را می‌نویسند. در مرحله‌ی نهایی، ویرایش‌های لازم انجام می‌شود تا به مرحله‌ی چاپ برسیم.

### ■ مؤلف‌ها را چگونه انتخاب می‌کنید؟

کتاب‌هایشان را بررسی می‌کنیم. البته بعضی‌هایشان را هم می‌شناسیم. من ۱۵ سال است که در زمینه‌ی کنکور کار می‌کنم و تقریباً همه‌ی کسانی را که در این رابطه فعالیت دارند، می‌شناسم. گاهی نیز بعضی‌ها را مؤلف می‌کنیم. یعنی نحوه‌ی کار را آموزش می‌دهیم و بعد از چند نوبت که روی کتاب کار کارشناسی انجام شد، می‌آموزند که چگونه کتاب تألیف کنند.

■ هدف طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، سامان‌دهی و ارزیابی کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در بازار نشر است. آیا با این طرح آشنایی دارید؟  
تا حدودی بله، اما تصور نمی‌کنم این پروژه خیلی موفق باشد.

### ■ چرا؟

چون ضمانت اجرایی ندارد.

### ■ چه ضمانت اجرایی باید داشته باشد تا موفق شود؟

من اگر چنین مجموعه‌ای در اختیار داشتم، به شرطی فعالیت می‌کردم که بتوانم در دادن یا ندادن مجوز انتشار کتاب اثرگذار باشم. اگر چنین شرایطی فراهم بود، همه‌ی انرژی‌م را صرف این کار می‌کردم. در زمینه‌ی خرید این کتاب‌ها هم همین‌طور است. شما به مدارس پیشنهاد می‌کنید که این کتاب‌ها را بخرند. اما ممکن است مدیر مدرسه ارتباط‌های دیگری با من و مؤلف که در مجموعه‌ی او فعال هستیم، داشته باشد و طبق خواسته‌ی من، کتاب مرا وارد مدرسه کند.

به  
نظر من فعالیت شما  
زمانی خیلی اثرگذار است  
که همه‌ی مدارس زیر نظر  
سازمان آموزش و پرورش  
فقط بتوانند از کتاب‌هایی که  
شما معرفی می‌کنید  
خرید کنند

به نظر من فعالیت شما زمانی خیلی اثرگذار است که همه‌ی مدارس زیر نظر سازمان آموزش و پرورش، فقط بتوانند از کتاب‌هایی که شما معرفی می‌کنید، خرید کنند.

■ شاید اگر جشنواره قادر بود، جلوی چاپ کتاب‌هایی را بگیرد که با نیاز دانش‌آموزان متناسب نیستند، بهتر بود. اما ما چگونه می‌توانیم بفهمیم که نیاز دانش‌آموز دقیقاً چیست؟

به کمک خود دانش‌آموزان. شما باید ببینید کتاب به چه منظوری چاپ شده است. اگر آن منظور و هدف را به طور کامل تأمین کرده است، کتاب را انتخاب کنید. مثلاً کتاب ما در زمینه‌ی ژنتیک و زیست‌شناسی، به چاپ سی‌ام رسیده است و تقریباً جای‌گزین کتاب درسی است. یعنی اگر دانش‌آموزی کتاب درسی را بخواند و بر آن مسلط باشد، در کنکور و در مبحث ژنتیک مندلی، صفر درصد خواهد زد. اما من پنج سال پیش کتابی نوشته‌ام که در طول این پنج سال، همواره شامل تمامی سؤالات کنکور در این مبحث بوده، اما انتخاب نشده است.

چه ملاکی از این بالاتر که کتاب بتواند سؤال کنکور را پیش‌بینی کند و نکته‌ی آن را تذکر دهد؟ حالا اگر صدها داور کتاب دیگری را تأیید کنند، ولی وقتی دانش‌آموز آن را می‌خواند و نتیجه نمی‌گیرد، چه فایده‌ای دارد؟ بنابراین ملاک اصلی، دانش‌آموزان و نتیجه‌گیری آن‌ها از کتاب است.

■ شاید بتوان گفت جشنواره‌ی رشد و طرح سامان بخشی، نوعی تشویق است تا ناشران با توجه به استانداردهای «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی»، کتاب‌های کمک‌آموزشی را تولید کنند.

پس چه‌طور پرفروش‌ترین کتاب‌های کمک‌آموزشی در کتاب‌نامه معرفی نشده‌اند؟ مثلاً کتاب آقای بازرگان در درس شیمی، یکی از موفق‌ترین کتاب‌هاست، اما در کتاب‌نامه معرفی نشده است.

■ ممکن است در کتاب‌نامه‌های قبلی معرفی شده باشند.

ممکن است.

■ آیا شما اصلاً برگزاری این جشنواره و طرح را شیوه‌ی مناسبی برای سامان بخشی کتاب‌های کمک‌آموزشی می‌دانید؟

چرا که نه؟ اما به نظرم باید روی چند مقوله کار کنید. اول، کاری کنید که ناشران احساس کنند، گزینش‌شان در این جشنواره، برایشان یک امتیاز مثبت محسوب می‌شود، تا خودشان را به سمت شما و معیارهایتان سوق دهند.

■ چگونه؟

مثلاً این قول را به ناشران بدهید که از کتاب برگزیده، پنج چاپ در سال می‌خرید. در این صورت ناشر می‌داند که این کتاب‌ها به وسیله‌ی شما در مدارس پخش می‌شود. یا حتی جشنواره و طرح

این قدرت را داشته باشد که اجازه ندهد کتاب‌های غیراستاندارد و خلاف معیارهای جشنواره، چاپ شوند. در این صورت ناشران انگیزه پیدا می‌کنند که کتاب استاندارد تولید کنند.

درست است که این جشنواره برای گزینش کتاب‌ها برگزار می‌شود و معتقد است که به محتوای کتاب‌ها توجه دارد، ولی به نظر من جنس نگاه جشنواره به کتاب، جنس نگاه خوبی نیست. من معیارها را در کتابچه‌ها دیده‌ام. معیارهایی مثل هم‌خوانی با سرفصل‌های کتاب درسی، هماهنگی شکل‌ها و نحوه‌ی صفحه‌بندی، همگی موضوعات فرعی‌اند و به معیارهای اصلی کمتر توجه شده است. به نظر من، هر کتاب باید نسبت به هدفی که برای آن نوشته شده است، سنجیده شود، اما من چنین معیاری را در کتابچه‌های شما ندیده‌ام.

ضمناً همه‌ی عیارها هم سنگ هستند. یعنی محتوای علمی کتاب با صفحه‌بندی یکسان سنجیده می‌شود. اصلاً چرا معلم‌ها باید درباره‌ی کتاب‌ها نظر بدهند؟ معلم‌ها چگونه انتخاب می‌شوند؟ آیا معلمی که مثلاً درباره‌ی کتاب کنکور نظر می‌دهد، اصلاً در این زمینه کار کرده است؟ آیا معلم‌ها و گروهی که کتاب‌ها را بررسی می‌کنند، در رابطه با معیارها توجیه شده‌اند؟ این‌ها سوالاتی هستند که باید پاسخ داده شوند. اما در کل وجود جشنواره امیدوارکننده است. خوب است که در این جشنواره مسائلی مورد توجه قرار می‌گیرند که ربطی به زور ناشران در تبلیغ ندارد.

### ■ آقای آرام‌فر! شما به عنوان ناشر کتاب‌های کمک‌آموزشی فعالیت دارید. تعریف شما

از کتاب کمک‌آموزشی و کمک‌درسی چیست؟ از نظر شما این دو با هم فرقی دارند؟

کتاب کمک‌آموزشی شاید قسمت سنجش را شامل نشود، یعنی فقط به یادگیری کمک می‌کند. بخش مهمی از بحث کنکور و امتحان نهایی، ارزش‌یابی و سنجش است. یعنی دانش‌آموز بیاموزد که چگونه از اطلاعاتش استفاده کند. فکر می‌کنم حوزه‌ی کتاب کمک‌درسی وسیع‌تر است و کمک‌آموزشی را هم شامل می‌شود.

### ■ آیا سعی می‌کنید طبق همین تعریف عمل کنید؟

بله. ما در نشر تخته سیاه فرمت‌هایمان را براساس تعاریفی که داریم، تنظیم کرده‌ایم. هر کدام از مجموعه‌هایمان نیز سبک خاصی دارند. مثلاً مجموعه کتاب‌هایمان با عنوان «گویا»، شامل درس و تست است و اطلاعات زیادی به دانش‌آموز می‌دهد، ولی مطالعه‌اش هم زمان زیادی می‌طلبد. مجموعه‌ی دیگری با نام «شب کنکور» داریم که ماهیت متفاوتی دارد و بیشتر سنجشی است و در جمع‌بندی مباحث به دانش‌آموزان کمک می‌کند.

کتاب‌های مجموعه‌ی «چکیده» کم حجم‌ترند و مطالب ضروری را به دانش‌آموز ارائه می‌دهند. مجموعه‌های دیگری هم تولید کرده‌ایم که همگی هدفمان را پوشش می‌دهند.

### ■ شما در زمینه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

بیشترین مشکل مسئله‌ی مالی است، مثل قیمت بالای کاغذ. تقریباً نصف قیمت کتاب، برای

کاغذ هزینه می‌شود و این در حالی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز سهمیه‌ی کاغذ را قطع کرده است. بنابراین بیشترین مشکل ما مالی است. کیفیت و سرعت کار چاپ‌خانه و صحافی و روند صدور مجوز هم راضی کننده است.

### ■ چه ویژگی خاصی را در نشرتان می‌بینید که آن را از دیگر ناشران متمایز می‌کند؟

ما کیفی کار هستیم، یعنی کتاب‌هایمان با کیفیت هستند. مثلاً برای تألیف کتاب ژنتیک دو سال و برای کتاب زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی ۱، یک سال و نیم وقت صرف کردیم. تألیف کتاب عربی هم دو سال طول کشید، ولی الان می‌توانیم ادعا کنیم که هر دانش‌آموز هوشمندی که کتاب عربی ما را بخواند، می‌تواند این درس را در کنکور ۱۰۰ درصد بزند. شاید تعداد عنوان‌های ما کم باشد، اما وقتی کتابی را به چاپ می‌رسانیم، به آن قبض و بسط می‌گوییم؛ یعنی کتاب، قبض و بسط آن مبحث است و ممکن نیست دانش‌آموزی آن را بخواند و نتیجه‌ی خوبی نگیرد.

### ■ چه انتظاری از آموزش و پرورش برای حمایت از کتاب‌های مناسب

دارید؟

آموزش و پرورش برای این تشکیل شده است که به بچه‌ها درست آموزش دهیم. بنابراین، اگر من آرام‌فر این قابلیت را دارم که زیست‌شناسی را طوری به دانش‌آموز آموزش دهم که سطح علمی‌اش از آن چه شما به او آموزش می‌دهید، بالاتر و بهتر شود، چرا نباید شرایط فراهم باشد؟ تازه آموزش و پرورش باید به من نوعی امتیازاتی هم بدهد. مثلاً بگوید ما حاضریم ۵۰ درصد هزینه‌ی هر کتابی را که چاپ کرده‌ای، بپردازیم؛ چون اگر دانش‌آموز این کتاب را بخواند، سطح علمی‌اش بالاتر می‌آید. اما گویی آموزش و پرورش نسبت به مجموعه‌هایی که مستقیماً با آن در ارتباط نیست، احساس خوبی ندارد.

برای مثال عرض می‌کنم، وقتی کنکور مطرح شد، عده‌ای وارد کار کنکور شدند که نخبه بودند، در کنکور رتبه‌ی خوبی آورده بودند و حالا هم ایده‌ها و فکرهای خوبی دارند. اما آموزش و پرورش به همه‌ی این‌ها نگاه منفی دارد. چرا؟ چون ما آموزش و پرورش نیستیم؟

آیا تا به حال شنیده‌اید که آموزش و پرورش بگوید: ما ترتیبی می‌دهیم که ناشران طبق معیارهایی در مدارس نمایشگاه برگزار کنند؟ اما چه اتفاقی می‌افتد که ناشران بزرگ همواره می‌توانند در مدارس غرفه داشته باشند و یا نمایشگاه برگزار کنند؟ ما ترجیح می‌دادیم که ملاکی وجود می‌داشت تا طبق آن ناشران می‌توانستند بهتر عمل کنند.

بنابراین ما هیچ حمایتی نداریم و اگر ناشری با اقبال عمومی مواجه نشود، ناچار باید کارش را تعطیل کند. می‌توانم بگویم با وضعیت موجود، فقط ناشرانی می‌توانند به کارشان ادامه دهند که عاشق نشر و تولید کتاب هستند.

ما هیچ حمایتی نداریم  
و اگر ناشری با اقبال عمومی  
مواجه نشود، ناچار باید  
کارش را تعطیل کند